



مردی که ییدیش را دوست داشت!

سینگر، آخرین نویسندehای که به ییدیش می نوشت!



محمدعلی زردانیار

روزگاری مردی بود، یهودی، نویسنده و فراری از جنگال نژادپرستی. او به آمریکا رفت، نوشت، باز هم نوشت، دوباره نوشت تا اینکه حتی به نویل رسید. او تمام عمرش را گذاشت که زبان تاریخی یهودیان اروپایی، یعنی ییدیش را احیا کند، همه تلاشش را هم کرد، می توان گفت حتی در زمان خودش هم موفق بود، اما هویت در رژیم عبری با زبان عبری پیوند خورده است و نهایتاً زحمات آیساک باشویس سینگر برای حفظ زبان تاریخی یهودیان، آب در هاون کوبیدن به نظر می رسد. سینگر به سرزمین یهود باور داشت و سرزمین یهود زبانی تاریخی را که او به آن عشق می ورزید، کاملاً نابود کرد! با من همراه باشید!

آیساک باشویس سینگر که بود اصلاً؟

ایساک باشویس سینگر (۱۹۹۱-۱۹۴۴)، نویسنده یهودی زاده لهستان و برنده نوبل ادبیات ۱۹۷۸، پرچمدار ادبیات ییدیش در قرن بیستم بود. او در خانواده ای ربی نشین در لیتسینسک به دنیا آمد و تحصیلات دینی، پایه درون مایه های آثارش شد. پس از مهاجرت به نیویورک در ۱۹۳۵، تمامی آثارش را تنها به ییدیش نوشت تا فرهنگ در معرض نابودی یهودیان اروپای شرقی را زنده نگه دارد. سبک روایی او تقابل سنت و مدرنیته در فضای ورشو یا دهکده های لهستان را با مضامینی مانند بحران ایمان، جبرگرایی و اخلاق پیشاهولوکاستی می کاوید و با به کارگیری عناصر فرهنگ عامه یهودی (همچون ارواح و دیوها) مسائل انسانی را واکاوی می کرد؛ گویی با نوشتن از ارواح، ناخواسته پیش بینی می کرد که خودش آخرین شبخ زنده ادبیات ییدیش خواهد ماند.

مهاجرت به آمریکا، نوشتن به ییدیش، ترجمه و دیگر موارد!

مهاجرت سینگر به آمریکا در ۱۹۳۵، با وجود دوری از فضای لهستان، به خلاقیت او جهت تازه ای بخشید. در نیویورک، همکاری با روزنامه فروژتس (نشریه ییدیش زبان) امکان انتشار منظم داستان هایش را فراهم کرد و او را به صدایی ماندگار در تبعید تبدیل نمود. اگرچه از دست دادن جامعه یهودی اروپا پس از هولوکاست ضربه ای جبران ناپذیر بود، این مهاجرت به او امکان داد تا از فاصله امن، زوال فرهنگ ییدیش را با وضوح تراژیک ثبت کند. زندگی در آمریکا - جایی که ییدیش در حال نابودی بود - وفاداری او به این زبان را عمیق تر کرد؛ گرچه او به ترجمه آثارش هم بسیار توجه می کرد. ترجمه آثارش به انگلیسی - ابتدا با کمک برادرش ای. جی. سینگر و بعداً با مشارکت مترجمانی مانند سائول پلّی - کلید شناخته شدن جهانی او شد. این ترجمه ها تحت نظارت دقیق خود سینگر انجام می گرفت؛ او هر متن را با زاری دینی دوباره می دانست، نه ترجمه صرف. با نمک است دیگر، نویسنده ای که تا جان داشت برای بقای ییدیش مبارزه می کرد، نوبل ۱۹۷۸ را مدیون نسخه های انگلیسی آثارش بود!

نظر او در مورد رژیم اسرائیل چه بود؟

ایساک باشویس سینگر، هر چند صهیونیست سنتی نبود، موضعی پیچیده درباره صهیونیسم و سرزمین یهود داشت. او اهمیت تاریخی و فرهنگی اسرائیل را می پذیرفت و حتی در سفر ۱۹۵۵ خود به سرزمین های اشغالی، شور همدلی با دولتی نوپا نشان داد. با این حال، پیامدهای تشکیل دولت یهودی برای هویت و معنویت یهود را زیر سؤال می برد. او نگران بود تأکید بر قدرت و حکومت داری، ایدئال های اخلاقی و معنوی یهودیت را تضعیف کند؛ آیا مردمی متمرکز بر نیروی نظامی می توانند به اصول متعالی دینی پایبند بمانند؟ او علی رغم تردیدها، پیوند عمیق یهودیان با اسرائیل - به ویژه اهمیت مذهبی و تاریخی اش - را تصدیق می کرد. سفر ۱۹۵۵ او، حس تعلق به تاریخ و سنت یهودی را برانگیخت. سینگر که ییدیش را به عبری ترجیح می داد، زندگی یهودیان دیاسپورا در اروپای شرقی را بر پروژه صهیونیستی ارجح می شمرد. ییدیش برایش زبان تبعید بود؛ زبانی متعلق به ترسوین، نه صاحبان قدرت.

و نتیجه زحمات او چه شد؟

در اسرائیل امروز، عبری به عنوان زبان رسمی و غالب، توسط اکثریت مطلق جمعیت (نزدیک به ۱۰۰ درصد در عرصه عمومی) استفاده می شود. بر اساس داده های مرکز آمار اسرائیل (۲۰۲۳)، ۹۰ درصد یهودیان اسرائیلی تسلط کامل به این زبان دارند و ۷۰ درصد در سطح پیشرفته آن را به کار می برند. در مقابل، ییدیش تنها در میان جوامع حسیدی

ییدیش چه زبانی است و چرا برای سینگر مهم بود؟

ییدیش - آمیزه ای از آلمانی قرون وسطی، عبری و عناصر اسلاوی - زبان تاریخی یهودیان اشکنازی و قلب تپنده فرهنگ اروپای شرقی بود. سینگر امدانه تنها به این زبان نوشت؛ نه از سر نوستالژی، بلکه چون آن را تنها ظرف اصیل «تجربه یهودی» می دانست؛ شکاک مذهب، طنز تلخ پیش از هولوکاست و بحران های اخلاقی در بستری از فولکلور. انتخاب او عملی سیاسی علیه دو مرگ موازی بود: نابودی فیزیکی یهودیان و محو فرهنگی ییدیش زیر چرخ مدرنیته و زبان های مسلط انگلیسی/عبری. وفاداری او به ییدیش، همچون کاشتن بذریک گونه منقرض شده در خاک تبعید بود؛ طنز تلخ ماجرا اینجاست که سینگر بی آنکه بداند، هم سنگ نوشته ای بر گورستانی عظیم می نوشت، هم زبانی را برای آیندگان می آفرید که قرار بود خودش آخرین نویسنده اش باشد!

مهم ترین آثار سینگر چیستند و او به چه دلیل نوبل ادبی را به خانه برد؟

ایساک باشویس سینگر، پرچمدار ادبیات ییدیش، با آثاری چون «خاندان موسکات»، «دشمنان یک داستان عاشقانه» و مجموعه داستان های «کیمپل احق» جهان ادبیات را تحت تأثیر قرار داد. خاندان موسکات زوال یک سلسله یهودی در ورشو پیش از جنگ را با نگاهی تراژیک روایت می کند، حال آنکه دشمنان به بررسی گناه و رستگاری در سایه هولوکاست می پردازد. آکادمی نوبل در سال ۱۹۷۸ سه دستاورد کلیدی را دلیل اعطای جایزه به او برشمرد. نخست احیای ادبیات ییدیش در آستانه نابودی، دوم خلق سبکی منحصر به فرد که تقابل سنت یهودی و مدرنیته را با زبانی ساده و آمیخته به عناصر فراطبیعی بازتاب می داد و سوم جهان شمول سازی مضامینی مانند جست و جوی معنویت در عصری سکولار. نقش مترجمانی چون سائول پلّی در معرفی آثارش به انگلیسی نیز عاملی تعیین کننده بود؛ نسخه های انگلیسی رمان های او بودند که راه او را به قله های ادبیات هموار کردند.

چرا او ییدیش را به عبری ترجیح می داد؟

ایساک باشویس سینگر نوشتن به زبان ییدیش را ترجیح می داد زیرا معتقد بود این زبان بیش از هر زبانی برای ثبت ظرافت های زندگی روزمره و فرهنگ خاص جوامع یهودی که در داستان هایش به تصویر می کشید، مناسب است. او احساس می کرد ییدیش، به عنوان زبانی از تبعید و مردم عادی، برای بازتاب دنیایی که می شناخت اصیل تر و گویاتر از عبری است؛ زبانی که آن را با متون مذهبی و گذشته ای رسمی و آمرانی مرتبط می دانست. برای سینگر، ییدیش عمیقاً با تجربیات فقر، ترس و فرهنگ خاص یهودیان شرق اروپا درهم تنیده بود. او معتقد بود این زبان «ترسو ها» است، نه قدرتمندان و بنابراین برای روایت هایش از زندگی عادی یهودیان مناسب تر بود. سینگر اظهار شاهکاری دارد که می گوید او نمی تواند مکالمات یک پسر و دختر در خیابان کراخمانا در ورشو را با عبری منتقل کند. ییدیش با واژگان غنی و اصطلاحات عامیانه اش برای ترسیم دقیق بافت اجتماعی و تعاملات روزمره جوامع یهودی که درباره شان می نوشت، ضروری بود.

کرده اند، حال آنکه ییدیش - علی رغم نقشی تاریخی اش - فاقد حمایت رسمی است و تنها توسط نهادهای آکادمیک و گروه های مذهبی افراطی حفظ می شود. زبانی که روزگاری قلب فرهنگ اشکنازی بود، امروز حتی در اسرائیل به «موزه ای زنده» تبدیل شده است؛ تقابلی عجیب میان پروژه های ملی گرایانه و میراث دیاسپورا در رژیم اسرائیل!

خاص (مانند ساتمار و بلوو) و سالمندان مهاجر از اروپای شرقی زنده است و گویش وران فعال آن کمتر از ۲ درصد جمعیت (حدود ۱۷۰ هزار نفر) را تشکیل می دهند. این زبان عمدتاً در شهرهای مذهبی مانند بنی براک و محله های اورشلیم کاربرد دارد. سیاست های دولتی (از جمله قانون یهودی، ۲۰۱۸) عبری را به مثابه «ستون هویتی» تثبیت